

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	سخنی پیش از پیشگفتار
۴	پیشگفتار مترجمان
۷	پیشگفتار مؤلف
۹	فصل اول: پیش درآمد
۹	۱-۱ هدفها
۹	۱-۲ مروری بر مطالب پیشین آهنگ در زبان فارسی
۱۷	۱-۳ گونه فارسی توصیف شده
۱۹	۱-۴ پیکره
۲۳	۱-۵ چهارچوب نظری
۳۴	۱-۶ شگردهای توصیفی مورد استفاده
۳۵	۱-۶-۱ شگرد شنیداری
۳۶	۱-۶-۲ شگرد فیزیکی
۳۷	۱-۷ شیوه نشانه گذاری
۳۷	۱-۷-۱ آوانگاری زنجیری
۳۹	۱-۷-۲ نشانه گذاری غیرزنجیری
۴۴	۱-۷-۳ متفرقه
۴۵	۱-۷-۴ ساخت هجا و تقسیم بندی آن در زبان فارسی
۴۷	فصل دوم: نظام آهنگ زبان فارسی
۴۷	۲-۱ مقدمه
۴۷	۲-۲ تقسیم بندی واحد نواختی

صفحه	عنوان
۵۱	۲-۳ ساختار درونی واحد نواختی
۵۴	۲-۳-۱ چگونه جایگاه هسته واحد نواختی را مشخص کنیم؟
۵۹	۲-۴ نواخت
۶۴	۲-۴-۱ ساده
۷۲	۲-۴-۲ پیچیده
۷۸	۲-۴-۳ مرکب
۸۶	۲-۴-۴ چکیده
۸۶	۲-۵ دنباله
۸۹	۲-۶ سر
۹۸	۲-۷ پیش سر
۱۰۱	فصل سوم: نظامهای نوایی زبان فارسی
۱۰۱	۳-۱ مقدمه
۱۰۱	۳-۲ دامنه زیروبمی
۱۰۵	۳-۳ ضرب
۱۱۱	۳-۴ بلندی
۱۱۹	۳-۵ وزن داری
۱۲۲	۳-۵-۱ عنصر وزن در زبان فارسی
۱۲۳	۳-۵-۲ آیا زبان فارسی هجا - زمانی است؟
۱۲۹	۳-۵-۳ وزن عادی گفتار
۱۳۲	۳-۶ هم وقوعی مشخصه های نوایی
۱۴۱	۳-۶-۱ نتیجه گیری
۱۴۲	۳-۷ مشخصه های پیرا زبانی
۱۴۴	۳-۷-۱ توصیفگرهای صدا
۱۴۴	۳-۷-۲ توصیفهای صدا
۱۴۴	۳-۸ خلاصه ای از مشخصه های نوایی و پیرا زبانی فارسی
۱۴۶	فصل چهارم: آهنگ و نحو
۱۴۶	۴-۱ مقدمه

صفحه	عنوان
۱۴۷	۴-۲ ساخت واحد نواختی
۱۴۸	۴-۳ نواخت‌داری و نواخت‌بری
۱۵۱	۴-۴ نواخت‌بری در برخی از ساختهای نحوی عادی
۱۵۳	۴-۵ نواخت‌بری در ساختهای ندایی
۱۵۴	۴-۶ تقابلهای نواختی
۱۵۸	پی‌نوشتها
۱۶۰	فصل پنجم: آهنگ و معنی
۱۶۰	۵-۱ مقدمه
۱۶۳	۵-۲ بازنمایی داده‌ها
۱۸۵	۵-۲-۱ نتیجه‌گیری
۱۸۷	پیوستها
۱۸۷	پیوست ۱: شواهد آزمایشگاهی در تأیید نواختهای زبان فارسی
۲۰۹	پیوست ۲
۲۱۰	متن ۱
۲۲۱	متن ۲
۲۲۶	کتابنامه
۲۳۰	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۲۳۳	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

سخنی پیش از پیشگفتار

یاد آر ز شمع مرده یاد آر

حدود سی و اندی سال پیش (که تاریخ دقیق آن یادم نیست و مهم هم نیست) در دفتر کار خود نشسته بودم. در آن موقع مسئولیت اداره بخش زبانهای خارجی دانشگاه شیراز را بر عهده داشتم. صبح هنگام جوانی خوش منظر، خوش رفتار و خوش برخورد با کیف خود وارد دفتر شد و گفت من جلیل توحیدی هستم. دکترای زبان شناسی خود را از دانشگاه لندن گرفته‌ام و هم‌اکنون در آلمان مشغول کار هستم، فرهنگستان زبان در تهران به من پیشنهاد استخدام داده است، ولی خود شخصاً دلم می‌خواهد در یک محیط آکادمیک مثل دانشگاه شیراز تدریس کنم. مضافاً اینکه من جهرمی هستم و شیراز به جهرم نزدیک است. از طرفی همسرم آلمانی است، می‌ترسم در شهر شلوغی مثل شهر تهران زندگی برای او جالب نباشد. مدارکی چند همراه با پایان‌نامه دکتری خود را تحت عنوان «پژوهشی در صوت‌شناسی فارسی جدید: آهنگ و ویژگیهای وابسته» به من داد. تورقی کوتاه در پایان‌نامه کردم و آن را کاری پرزحمت، پرمغز، به‌روز و عالمانه یافتم. در عین حال اضافه کردند که پایان‌نامه با تغییراتی جزئی در آلمان به‌زودی چاپ خواهد شد. هنوز هم که هنوز است در زمینه تحلیل آهنگ زبان فارسی و در چهارچوب ارائه شده نمونه به حساب می‌آید. پرسیدم: دکتر چند روز در شیراز می‌مانی؟ پاسخ داد می‌خواهم سری به جهرم بزنم و پس فردا برگردم بروم تهران. خواهش کردم در برگشت از جهرم مجدداً با هم ملاقاتی داشته باشیم. پایان‌نامه ایشان را به‌دقت مطالعه کردم و با دو سه نفر از همکاران مشورت کردم. در آن هنگام بخشها در دانشگاه شیراز از قدرت گسترده‌ای برخوردار بودند؛ وقتی تصمیم به استخدام فردی می‌گرفتند تقریباً

نهایی بود و مراحل بعدی در دانشکده و دانشگاه در حد زیادی تشریفاتی بود. وقتی از جهرم برگشتند، پیشنهاد استخدام به ایشان دادم، خیلی خوشحال شدند. قرار شد بروند آلمان و با همسرشان و اسباب و اثاثیه به شیراز برگردند.

چند روز بعد خبر رسید که بخشی از سالن فرودگاه مهرآباد فرو ریخته و عده‌ای کشته و مجروح شده‌اند. شب‌هنگام یکی از دوستان از تهران تلفن کرد که در این ماجرا آقای دکتر توحیدی هم زخمی شده و پایش هم شکسته و در بیمارستان بستری است و خدا را شکر می‌کرد که به‌خیر گذشته است. اما یک هفته بعد با کمال تأسف باخبر شدم که بر اثر ایجاد لخته در خون، زبان‌شناس جوان ما جان به جان آفرین تسلیم کرده و غنچه‌ناشکفته پژمرده است. لحظات بسیار سختی بر من گذشت و با خود می‌گفتم کاشکی این جوان را ملاقات نکرده بودم.

دلم امید فراوان به وصل روی تو داشت ولی اجل به ره عمر رهن املست چند سالی گذشت. روزی مردی مؤدب و آراسته به دفتر من آمد و خود را خلیل برادر جلیل توحیدی معرفی کرد. بعد از تعارفات گفت ما خیلی علاقه‌مندیم نشانه‌ای ماندنی از برادرمان داشته باشیم و آرزو داریم که کتاب جلیل به فارسی ترجمه شود. می‌خواستند من این کار را انجام دهم. ولی من داشتم به فرصت مطالعاتی می‌رفتم لذا به ایشان توصیه کردم به مرحوم دکتر علی محمد حق‌شناس که از عهده این کار برمی‌آیند و استاد مسلم هستند مراجعه کنند.

چهار سال پیش یا بیشتر آقای مهدی احمدی از سازمان سمت تلفن کردند که گروه زبان‌شناسی «سمت» ترجمه کتاب دکتر توحیدی را در دستور کار خود قرار داده و پیشنهاد ترجمه کتاب به فارسی را با من در میان گذاشتند. از آنجا که خود من هم احساس وظیفه‌ای می‌کردم آن را قبول و شروع به کار کردم. ولی به علت مریضی متداوم کار به درازا کشید. لذا از دوست و همکار عزیزم آقای دکتر رضا پرهیزگار استاد دانشگاه شیراز که هم زبان‌شناس هستند و هم ادیب و شاعر و در ضمن در ترجمه هم ید طولائی دارند و به قول معروف آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری تقاضای یاری کردم. ایشان علی‌رغم مشغله‌های فراوانی که داشتند

خواهش مرا پذیرفتند. اگر نکات مثبتی در این ترجمه مشاهده می‌کنید بدانید که از قلم رضا پرهیزگار که بیشتر با اسم مستعار خرسند پارسا در جراید می‌نویسد تراوش کرده است. من به سهم خود از ایشان تشکر می‌نمایم.

خدا را شکر که ترجمه این کار به پایان رسید. درود به روان پاک دکتر توحیدی. ان شاء الله که از ما راضی است.

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست

لطف‌الله یار محمدی

شیراز، ۱۳۸۷

پیشگفتار مترجمان

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

خدا را سپاس می‌گزاریم که موفق شدیم اثری را از یک زبان‌شناس ایرانی ترجمه کنیم که بسیار زود هنگام از دست ما رفت. این پژوهش ارزنده توصیفی از صوت‌شناسی زبان فارسی در چهارچوب نظری خاصی است که نمونه آن را تاکنون به زبان فارسی نداشته‌ایم، گو اینکه می‌بایستی سالها پیش به زبان فارسی برگردانده می‌شد، البته باید اذعان کرد که علت این دیرکرد، مشکلات مفهومی و نوشتاری‌ای بوده که ترجمه آن در سر راه مترجم قرار می‌داده است. علی‌هذا در این پیشگفتار، نکات زیر قابل توجه است:

۱. در برگردان مطالب، شیوه این بوده است که به سود خواننده و برای درک بهتر مفاهیم گاهی به توضیحات اضافی متوسل شویم. این عمل ممکن است در مواردی اطناب ممل یا عدم وفاداری به اصل را به ذهن متبادر کند. اما با عنایت به طبیعت بیان گونه متن که نوعی ارجاعی است (referential genre)، و در آن ارسال پیام بر شیوایی و زیبایی صورت و سبک تقدم دارد، کوشش کرده‌ایم ترجمه‌ای مفهومی به دست دهیم.

۲. گزینش معادلهای دقیق و رسا که یکی از دشواریهای مهم ترجمه تخصصی و فنی است بر اهل اصطلاح پوشیده نیست. در برگردان این کتاب سعی کرده‌ایم رسایی متون و دقت اصطلاحات به کار گرفته شده را فدای زیبایی ظاهری یا نو بودن آنها نکنیم. بنابراین گاهی به ناچار یک واژه را با استفاده از دو معادل تقریباً هم‌معنا با بهره‌گیری از «و»، یا قرار دادن دومی در پرانتز به فارسی برگردانده‌ایم. این کار به گمان ما دو فایده می‌تواند داشته باشد: نخست اینکه،

خواننده مطلب را بهتر درک می‌کند و دوم اینکه، هر کدام از دو معادل که با پسند خواننده و هاضمه زبان فارسی سازگاری بیشتری داشته باشد جا می‌افتد و در کاربردهای آتی دیگر به تکرار دو معادل نیازی پیش نخواهد آمد. این یادآوری لازم است که بخش کمی از معادلها از واژه‌های پذیرفته و تثبیت شده‌اند و بقیه به دست مترجمان بر ساخته شده‌اند. فهرست معادلها در انتهای کتاب جهت مراجعه خوانندگان به ترتیب الفبا (انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی) داده شده است.

۳. تعبیرات آوانگاشته فارسی همراه با علائم صوتی و نوایی در بالا و پایین تعبیرات به‌ناچار عیناً مانند اصل آنها در کتاب آورده شده‌اند، اما سعی شد تا آنجا که به فهم مطلب آسیبی نرسد کلیه مشخصه‌های مربوط به آوانگاشته‌ها (حتی علائم اختصاری) را هم به رسم‌الخط فارسی بنویسیم یا برگردانیم؛ البته با توجه به طبیعت رسم‌الخط زبان فارسی برخی از نشانها به خصوص کشش که در متن لاتین با یک یا چند «و» می‌آید، ما را در خصوص معادل‌های فارسی با مشکل مواجه می‌کند. متأسفانه اغلب کتابهای تألیفی و ترجمه‌ای (به‌ویژه در زمینه‌های علمی) در زبان فارسی به نشر مخلوط یا به اصطلاح ماکارونیک (در هیئت بخشی فارسی همراه با تعبیرات و یا مثالهای انگلیسی یا زبانهای خارجی دیگر) نگاشته شده‌اند که مطلقاً با هاضمه زبان فارسی سازگاری ندارد و فهم مطلب را مشکل می‌کند و نوشته را کریه‌المنظر جلوه می‌دهد. مترجمان به قدر بایسته کوشیده‌اند که در حد ممکن کتاب ترجمه‌گونه و یا به اصطلاح گرده‌برداری شده به نظر نرسد.

۴. نویسنده و زبان‌شناس فقید این اثر ارزنده، کتاب را به زبان انگلیسی که زبان مادری‌اش نبوده به رشته تحریر کشیده است که طبعاً از بسیاری از جهات با نوشته یک نفر انگلیسی‌زبان تفاوت‌هایی دارد. مترجمان، بنا به حکم وفاداری در ترجمه، در زبان و سبک ارائه مطالب تغییری نداده‌اند. ضمن پذیرش عیوب و کاستیهایی که حتماً در ترجمه وجود خواهد داشت، قطعاً خوانندگان فرهیخته ما عیب یا هنری را که جنبه تألیفی در اصل متن داشته باشد به پای مترجمان (گردن باریک!) نخواهند گذاشت.

۵. مترجمان از هرگونه نقد و پیشنهادی بر این اثر صمیمانه استقبال خواهند کرد. اثری که نقد نشود غث و سمین آن ناشناخته خواهد ماند. اگر عمری باشد (که خدا داند) و کتاب به چاپهای بعدی برسد این نقدها و پیشنهادهای بدون شک اثرگذار خواهند بود.

در خاتمه بر خود لازم می‌دانیم که صمیمانه از جناب آقای محمود ظریف و سرکار خانم میچکا کتاب‌الله‌زاده که در امر ویرایش و آماده‌سازی فنی کتاب زحمت بسیار کشیدند و آن را به صورت مطلوب فعلی درآوردند سپاسگزاری کنیم. سرانجام ترجمه این اثر را به روان پاک دکتر جلیل توحیدی تقدیم می‌داریم. روانش شاد باد که انسانی نیک‌نهاد بود.

به راه می‌کده حافظ خوش از جهان رفتی دعای اهل دلت باد مونس دل پاک

و علیه التَّکْلان

بهار ۱۳۸۷

لطف‌الله یارمحمدی و محمدرضا پرهیزگار

پیشگفتار مؤلف

اثر حاضر به علت به کارگیری انگاره‌ای نظری که در فصل اول شرح آن رفته دیدگاه گسترده‌تری از پدیده آهنگ ارائه داده است. علاوه بر توضیح نظریه، فصل اول هدفهای تحقیق همراه با خلاصه‌ای از پژوهشهای پیشین در باب آهنگ زبان فارسی، ویژگیهای پیکره تحقیق، شگردهای توصیف و بالاخره نظام نشانه‌گذاری موردنظر را بحث کرده است.

نقش کاربردی مشخصه زیرویمی در فصل دوم مورد مذاقه قرار گرفته، حال آنکه فصل سوم به مشخصه‌های نوایی و پیرازبانی پرداخته است که از عوامل مؤثر و مربوط به بررسی آهنگ در زبان فارسی به‌شمار می‌آیند.

رابطه برخی از زمینه‌های بین آهنگ و نحو در فصل چهارم بررسی شده و تأثیرات مشخصه‌های نوایی و پیرازبانی همراه با دیگر پدیده‌های غیرزنجیری بر معنای گفته‌ها در فصل پنجم یعنی فصل آخر مورد عنایت قرار گرفته است.

کتاب دارای دو پیوست است. اولی صوت‌نگاره‌های نواخته‌های مشروح در فصل دوم را همراه با توضیحاتی در باب ابزارهای به کار گرفته شده به نمایش گذاشته، حال آنکه در پیوست دوم دو متن آوانگاشته به منظور روشن‌سازی بهتر توصیفهای مندرج در کتاب آورده شده است.

کتابنامه به دو بخش تقسیم شده است: اولی شامل فهرست آثاری است که به آنها در کتاب ارجاع داده شده است و دومی حاوی فهرست منابع تکمیلی است.

این کتاب در اصل به عنوان پایان‌نامه دکتری به دانشگاه لندن تسلیم شد. از

آن هنگام تاکنون تغییرات جزئی چندی در آن داده شده است.
در طول پژوهش این اثر از تشویق و راهنمایی‌های ارزنده استاد راهنمای
پایان‌نامه، خانم واترسن، برخوردار بوده‌ام و بیشترین سپاس صمیمانه خویش را به
حضور ایشان تقدیم می‌دارم.

جلیل توحیدی

فرانکفورت / مابین

فوریه ۱۹۷۴